گفت‌وگو

جزئیات دستگیری قاتلان مولوی ریگی در گفت‌وگو با نماینده خاش در مجلس

برنامه‌های دیگری نیز برای ترور افراد شاخص داشتند

ربایش و قتل مولوی عبدالواحد ریگی، امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد امام‌حسین(ع) خاش واکنش‌های بسیاری در پی داشته است. نماینده خاش در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با همشهری آنلاین توضیحاتی درباره شهادت این عامل اهل سنت داد.

اسماعیل حسین‌زهی با اشاره به تسلیت مقام معظم رهبری در پی شهادت مولوی عبدالواحد ریگی گفت: «مولوی عبدالواحد یکی از افراد شاخص و از علمای تراز اول استان بود. حیف بود که ایشان به مرگ طبیعی از دنیا برود و در نهایت شهادت نصیب ایشان شد. از مقام معظم رهبری، هیأت دولت و قوه قضاییه نیز تشکر می‌کنیم که شهادت ایشان را تسلیت گفتند.» حسین زهی در ادامه جزئیاتی از قاتلان مولوی و مکان بازداشت آنها را تشریح کرد: «خوشبختانه روز سه‌شنبه نیروهای امنیتی، عوامل ترور ایشان را دستگیر کردند. این افراد قصد فرار از مرز پاکستان را داشتند و وقتی هم که اسم مرز می‌آید مشخص است که این افراد اشرار و مزدورانی بودند که از جایی اجیر شده‌اند. از دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی به‌دلیل این سرعت عمل تشکر می‌کنیم. هنوز جزئیات بیشتری از این افراد نمی‌دانیم، اما گویا آنها برنامه‌های دیگری نیز برای ترور افراد شاخص و سرشناس داشتند، اما نتوانستند به نیت شوم خود برسند. همچنین ممکن است افراد دیگری هم با این مزدوران در ارتباط بوده باشند، اما باید منتظر بررسی‌های بیشتر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بمانیم.»

مولوی عبدالواحد محافظ داشت؟

نماینده خاش درباره شخصیت مولوی عبدالواحد در میان مردم افزود: «ایشان از علمای مردمی بود و همواره میان مردم حضور داشت. حتی بدون راننده نیز تردد می‌کرد و هدفش حضور در میان مردم بود. همواره صلح‌جو بود و همیشه سعی می‌کرد اختلافات میان مردم را حل کند. چندین‌بار نیز گروهک‌ها ایشان را تهدید به مرگ کردند، اما اعتنایی نکرده بود. دیدیم که در تشییع پیکر ایشان نیز بیش از ۱۰هزار نفر حضور داشتند که نشان از ارادت و علاقه مردم به ایشان داشت. کسانی هم که ایشان را به قتل رساندند اجیر شده بودند.»

حسین زهی همچنین تأکید کرد که پس از اعلام خبر دستگیری قاتلان، مردم خاش بسیار خوشحال شدند و خواستار به نتیجه رسیدن سریع پرونده و رسیدن قاتلان به سزای اعمال خود هستند. این نماینده مجلس درباره هدف قاتلان مولوی نیز گفت: «اینها قصد داشتند بین علما و مردم اختلاف بیندازند و به‌دلیل شخصیت مولوی عبدالواحد و مواضع ایشان دست به ترور او زدند؛ چراکه ایشان همواره در بحث وحدت تأکید فراوان داشتند و پیوسته برای مملکت دلسوزی می‌کردند.»

کتاب

روایتی ساده از ماجرایی پیچیده

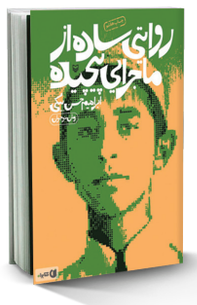

ابراهیم حسن‌بیگی، در رمان «روایتی ساده از ماجرایی پیچیده» برهه‌ای از تاریخ را روایت می‌کند که بیانگر ظلم، ستم، بی‌عدالتی و در یک کلمه استکبار برای نوجوانان است. این رمان، روایتی ساده از پسر نوجوان ۱۶ساله ترکمنی به‌نام الیاس است که عاشق دختر خان روستا صفورا می‌شود و در ذهنش به ازدواج با او فکر می‌کند.

این عشق نافرجام خیلی زود به نفرت و حس انتقام تبدیل می‌شود. نوجوانان با این کتاب همراه شخصیت اصلی از میان ماجراهایی عجیب می‌گذرند که متعجب و شگفت‌زده‌شان می‌کند؛ از اتفاقات داخل مدرسه که موجب دردسر می‌شود تا زندان ساواک و از خانه خان تا سفارتخانه آمریکا. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «بیرون از زندان داشت اتفاقات عجیب و غریبی می‌افتاد؛ اتفاقاتی به اسم انقلاب. دیگر شعارنویسی و پخش اعلامیه کاری کوچک و ناچیز محسوب می‌شد که کار هر روزه جوان‌هایی مثل الیاس بود؛ الیاسی که از زندان و شکنجه‌های ساواک فقط جای زخم آتش سیگار روی پیشانی‌اش باقی مانده بود...»

مستند

سرباز شماره صفر

یکی از مستندهای قابل توجه جشنواره سینما حقیقت سال ۱۴۰۰، «سرباز شماره صفر» به کارگردانی محمد سلیمی‌راد بود؛ اثری که توانست جایزه بهترین مستند در بخش شهید آوینی را کسب کرده و به چهلمین جشنواره فیلم فجر راه پیدا کند. این فیلم مستند روایتی متفاوت از یک جانباز است که سال‌ها برای ثبت جانبازی‌اش پیگیری نکرده، اما یک رخداد برای یکی از اعضای خانواده‌اش باعث می‌شود مسیری پر پیچ و خم را آغاز کند. کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی مستند «سرباز شماره صفر» را محمد سلیمی‌راد برعهده داشته است. در خلاصه این مستند آمده است: «مردی به اسم جهانگیر بَدوره، به‌دلیل بیماری همسرش، سراغ پرونده جانبازی‌اش می‌رود ولی متوجه می‌شود در زمان جنگ بیمارستانی که در آن بستری بوده، مورد حمله دشمن قرار گرفته و اسناد پرونده‌اش کاملا از بین رفته است. همسر جهانگیر سال‌هاست درگیر بیماری صرع است و روزانه چندبار دچار تشنج می‌شود ولی جهانگیر به‌دلیل هزینه‌های بالای درمان و مشکلات مالی تاکنون نتوانسته کاری برایش انجام دهد و برای تکمیل پرونده و ارائه به کمیسیون برای دریافت درصد ایثارگری و استفاده از دفترچه خدمات درمانی، می‌بایست به سراغ رزمنده‌ها برود...» با تماشای مستند «سرباز شماره صفر» با گوشه‌ای از مشکلات جانبازان و روایت جانباز جهانگیر بَدوره از سال‌های دفاع‌مقدس آشنا خواهید شد.

مروری بر سبک زندگی مولوی عبدالواحد ریگی
امام جمعه اهل سنت خاش که به‌تازگی به شهادت رسیده است

عالم خیرخواه

خاطره اختصاصی از گفت و گوی عبدالواحد ریگی با نماینده رهبر معظم انقلاب

شهادت امام‌جمعه اهل سنت شهرستان خاش بی‌ارتباط با سخنان شجاعانه اخیر او نبود. ماجرا به سفر هیأت اعزامی از دفتر مقام معظم رهبری به سیستان و بلوچستان برمی‌گردد. اینکه در آن سفر چه گذشته بود را از زبان حجت‌الاسلام محمدجواد علی‌اکبری، رئیس شورای سیاستگذاری ائمه‌جمعه و نماینده ولی‌فقیه در این سفر می‌خوانیم. در روز دوم سفر این هیأت اعزامی، (۹صبح روز دوشنبه ۲۳ آبان‌ماه) در سالن استانداری، همایش «تحکیم وحدت و همدلی» با حضور ائمه‌جمعه شیعه و اهل سنت(مولوی‌ها) و سران قبایل برگزار شد، قرار بود برنامه تا ظهر روز دوشنبه ادامه داشته باشد. در این مراسم، فهرستی از کسانی که قرار بود نطق داشته باشند، نوشته شده بود و مجری برنامه طبق جدول پیش رفت. حین مراسم چند باری مولوی عبدالواحد که یکی از مهمان‌های این مراسم بود از مجری درخواست کرد تا به او اجازه سخنرانی بدهد. مجری برنامه با احترام به او اعلام کرد که نمی‌تواند خارج از جدول برنامه و افراد معین شده برای سخنرانی، برنامه را پیش ببرد. در همین حین یکی از سران قبایل برای سخنرانی پای سن رفت و با چند بیت شعر صحبت‌هایش را شروع کرد. مولوی عبدالواحد با شجاعت تمام تذکر داد که چرا در شروع صحبت نام حضرت محمد(ص) را نبردی و البته آن سخنران هم با تواضع، این تذکر را تأیید و در پایان چندین‌بار از پیامبر اکرم(ص) یاد کرد و صلوات فرستاد. صحبت‌های مهمان‌ها که تمام شد، نوبت به سخنرانی حجت‌الاسلام محمدجواد علی‌اکبری رسید. همزمان با حرکت حاج‌آقا روی سن، مولوی عبدالواحد ریگی از سمت دیگر سالن از صندلی خود بلند شد و به سمت سن حرکت کرد. در همین حین مجری که متوجه این موضوع شد، مجددا با احترام و عذرخواهی از او خواست تا بنشیند. حاج آقا علی‌اکبری هم عرض ارادتی به این امام جمعه شهر خاش کرد و برای حفظ نظم مراسم قول داد پایان برنامه، مفصل در خدمت او باشد و حرف‌هایش را بشنود. مولوی هم با محبت و خوشرویی قبول کرد و نشست. پایان جلسه همزمان با اذان ظهر بود و طبق برنامه‌ای که برای هیات اعزامی ترتیب داده بودند باید اقامه نماز ظهر و عصر در مرکز فراجا برپا می‌شد. از قبل وسیله ایاب و ذهاب هم هماهنگ شده بود و مهمان‌ها برای این برنامه از سالن خارج شدند، اما نماینده ولی‌فقیه پای قولی که به امام جماعت اهل سنت شهر خاش داده بود، ماند. پس به سراغش رفت و روی صندلی کناری او نشست و با او همکلام شد. در همین حین اطرافیان، مدام به حاج آقا یادآوری می‌کردند که باید به برنامه بعدی برسد، اما او مشتاق بود بداند این امام جماعت چه می‌خواهد بگوید که اینقدر مصر و پیگیر است. با مهربانی کنارش نشست تا هرچه می‌خواهد بگوید. پیرمرد خوشحال شد که با وجود خالی شدن سالن و اصرار گروه همراه برای رفتن، نماینده دفتر مقام معظم رهبری کنارش نشسته است. حدود ۸،۷دقیقه‌ای مولوی عبدالواحد با غیرت و رشادتی مثال‌زدنی صحبت کرد و گفت: «من در دوران ۸سال دفاع‌مقدس در خط مقدم جبهه حضور داشتم و ما در طول انقلاب همواره در صحنه بوده‌ایم؛ از جمله در تمام دوره‌های انتخابات کشور و این افتخار ماست. کسی که از مرز خود دفاع نکند، ناموس ندارد. شما بپرسید از مسجد امام‌حسین(ع) که من پیش‌نماز آن هستم حتی یک نفر هم بعد از نماز جمعه به خیابان نیامد و در آشوب اخیر خاش حضور نداشت. گفتم کسی حق ندارد از مسجد بیرون برود؛ چون می‌دانستیم منافقین بیرون هستند و می‌دانیم چه کار می‌کنند. ما مطلع هستیم که منافقین و دشمنان چه نقشه‌ها و طراحی‌هایی دارند. ما غیر از اسلام، نظام اسلامی، ایران و اخوت با شیعه، حرفی نداریم. باید تاریخ را بخوانید تا متوجه شوید ما اهل‌سنت سیستان‌وبلوچستان با برادران شیعه چه ارتباط نزدیکی داشته‌ایم. من حتی از جانب گروهک‌های معاند، تهدید شده‌ام، اما اینها تأثیری ندارد. ما شما برادران تشیع را به‌خاطر خدا دوست داریم وگرنه چیزی از شما نگرفته‌ایم که بگویند این دوستی به‌خاطر دنیاست. ما این مملکت را دوست داریم و رهبری دوست ما هستند. این مملکت بدون این نظام اسلامی به درد ما، به درد دین و اسلام و حتی به درد ناموس مسلمین نمی‌خورد.»

گزارش

الناز عباسیان
روزنامه‌نگار

خبر تکان‌دهنده‌ای بود؛ جمعه ۱۸آذرماه خبر رسید امام‌جمعه اهل‌سنت مسجد امام‌حسین(ع) خاش به شهادت رسیده و شورای تامین استان سیستان‌وبلوچستان با صدور بیانیه‌ای این خبر را تأیید کرد. او توسط افراد ناشناس ظهر روز پنجشنبه ۱۷آذرماه ربوده شده و به شهادت رسید. اینکه او چه کسی بوده و چه‌کاری انجام داده که چنین با او رفتار کردند، موضوعی است که نباید به‌راحتی از کنارش گذشت. صحبت از پیرمردی ۷۶ساله است که تا پای جان در راه آرمان‌های خود تلاش کرد، همواره منادی وحدت بود، افراد پای منبرش را به اتحاد و همدلی فرامی‌خواند و هم شیعه و هم سنی او را دوست داشتند. صحبت از مولوی عبدالواحد ریگی است. در ادامه نگاهی به سبک زندگی فردی و اجتماعی این عالم فقید داریم.

بارها تهدید به مرگ شده بود

مولوی عبدالواحد بارها از سوی گروهک‌های تروریستی تهدید به مرگ شده بود، اما بر مواضع خود استوار ماند تا اینکه کوردلان کار خودشان را کردند. پنجشنبه ۱۷آذرماه وقتی این امام‌جمعه در مسجد امام‌حسین(ع) حاضر شد، افراد ناشناس از درب پشتی مسجد او را صدا و سوار یک خودروی پژوی بدون پلاک می‌کنند. بعد از اطلاع از ربوده شدن عبدالواحد ریگی، با دستور دادستان شهرستان خاش برای تحقیق روی پرونده ربایش او، بازپرس تعیین شده و تمام نیروها برای پیدا کردن او و شناسایی آدم‌ربایان مأمور شدند، اما متأسفانه متهمان بعد از ربایش، اقدام به قتل این امام‌جمعه اهل‌سنت کردند که فردای آن روز جسد او در یکی از جاده‌های فرعی شهرستان خاش درحالی که ۳ گلوله به سر وی شلیک شده بود، پیدا و شناسایی شد.

مدعیان، تحمل وحدت بین شیعه و سنی را ندارند

مولوی یوسف گرگیج، امام جمعه اهل سنت مسجد محمد رسول‌الله(ص) زاهدان با اشاره به اینکه شهادت نقطه عروج و مایه افتخار علمای اسلام است، می‌گوید: «شهید مولوی عبدالواحد ریگی از عالمان انقلابی صلح‌جو، حق‌گو و منادی وحدت بود و مردم و نمازگزاران را پای منبرش به آرامش دعوت می‌کرد و همیشه از تریبون ایشان صدای حق بلند می‌شد.» او با بیان اینکه آرزوی دیرینه مولوی شهادت بود، می‌گوید: «مدعیان آزادی بیان، تاب و توان تحمل وحدت بین شیعه و سنی را ندارند. بعضی از این مدعیان متأسفانه جنبه دیگری را نگاه می‌کنند، ما همانطور که عهد کردیم باید صحبت‌ها و گفتمانمان به سمت روشنگری و وحدت سوق داده شود و مردم را به راه درست، حق و انقلابی دعوت کنیم.»

بلافاصله بازپرس ویژه قتل در محل حاضر و پرونده قضایی در مورد این موضوع تشکیل شد. مولوی عبدالواحد، نخستین چهره اهل سنت استان سیستان‌وبلوچستان نیست که پس از اتخاذ مواضع همسو با انقلاب اسلامی هدف گروهک‌های تروریستی قرار می‌گیرد. این موضوع مسبوق به سابقه است. عوامل حادثه البته پیش‌تر توسط خود مولوی ریگی معرفی شده بودند و حالا مشخص است این امام‌جمعه اهل سنت به چه جرمی هدف ترور واقع شده است.

هدف، ایجاد تفرقه در بین شیعه و سنی است

با دستگیری عوامل ترور شهید مولوی عبدالواحد ریگی مشخص شد آنان ترورهای دیگری را نیز در دستور کار داشتند. مهدی شمس‌آبادی، دادستان عمومی و انقلاب زاهدان به تشریح چگونگی دستگیری عوامل ترور شهید مولوی عبدالواحد ریگی، امام جماعت مسجد امام‌حسین(ع) شهرستان خاش پرداخت و گفت: «در ساعات اولیه این حادثه سربازان گمنام امام زمان(عج) اقدامات لازم برای شناسایی عوامل را در دستور کار قرار دادند. خوشبختانه در ۲۴ساعت پس از وقوع قتل، عوامل ترور شناسایی و قبل از خروج از مرز توسط سربازان گمنام امام زمان(عج) و با پشتیبانی عملیاتی نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان دستگیر شدند. یک قبضه سلاح کلت که مولوی ریگی توسط آن به قتل رسیده بود نیز در زمان دستگیری از این عوامل کشف و ضبط شد. پرونده این عوامل برای انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرای عمومی و انقلاب زاهدان تشکیل شده است. با دستگیری این عوامل مشخص شد آنان ترورهای دیگری را نیز در دستور کار داشتند که جزئیات آنها در آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد. قطعا ترور شخصیت‌هایی مانند شهید مولوی عبدالواحد ریگی که منادی وحدت و صلح هستند، هدفی جز ایجاد نفاق و تفرقه در بین مردم شیعه و سنی ندارد.»

شیعه و سنی برای دشمن فرق ندارد

مولوی سیدعلی قریشی، امام جمعه اهل سنت شهرستان فنوج، حادثه تروریستی مبنی بر ترور امام جمعه اهل سنت خاش را محکوم کرده و می‌گوید: «این اقدام فتنه‌ای از سوی دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران است. مولوی ریگی شخصیتی علمی و فردی مومن و متعهد به نظام و دولت بود.» او که خود با مولوی ریگی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشته از خداوند خواستار سرنگونی دشمنان اسلام و دین شد و می‌گوید: «دشمن همیشه دشمن است و شیعه و سنی برایش فرق ندارد. در کمتر از یک‌ماه شاهد شهادت حجت‌الاسلام شهرکی از روحانیون اهل تشیع بودیم و اکنون مولوی ریگی؛ این اقدامات از سوی علما و روحانیون اهل سنت به‌شدت محکوم‌است.»

پسر شهید عبدالواحد ریگی:

ساده زیست و مظلوم رفت

حفیظ‌الله ریگی، یکی از فرزندان مولوی عبدالواحد ریگی درباره ویژگی‌های اخلاقی پدرش می‌گوید: «پدر و مادرمان پیرو قرآن کریم بودند؛ به‌گونه‌ای که ما را نیز تشویق به مسیر قرآن کردند و هم‌اکنون ۵فرزند پسر و ۳فرزند دختر ایشان حافظ کل قرآن کریم هستند. زادگاه پدر روستای نرون شهرستان تفتان است. بسیار ساده‌زیست بوده و تمایلی به تجملات و مادیات نداشت. خانه و زندگی ساده پدرم برای همگان قابل رویت است. پدرم مغازه خواربارفروشی داشت و از این مسیر گذران زندگی می‌کرد. هیچ‌یک از فرزندان مولوی با وجود تحصیلات دانشگاهی و تحصیلات حوزوی در هیچ‌یک از ارگان‌ها و ادارات دولتی مشغول به‌کار نیستند.» او به نقش مولوی عبدالواحد در رفع اختلافات طایفه‌ای اشاره کرده و می‌گوید: «پدرم در حل اختلاف‌های میان قبایل نقش بسیار مؤثری داشتند، سران طوایف و علما نیز در این زمینه شهادت می‌دهند. همیشه برای رفع دلخوری‌ها تلاش می‌کرد و به‌معنای واقعی منادی صلح بود.» مولوی زخم‌خورده جنگ بود و در سال‌های دفاع‌مقدس در جبهه‌های حق علیه باطل حضور داشت. پسرش در این زمینه می‌گوید: «پدرم جبهه و جنگ را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود و وقتی که فریاد دفاع از میهن سر می‌داد و از نظام اسلامی حمایت می‌کرد مشخص بود به مسیری که حرکت می‌کند، اعتقاد راسخ دارد. پدرم همراه با نظام، پیرو ولی‌فقیه و انقلاب اسلامی بود. علمایی که مولوی ریگی را می‌شناختند، از او به عنوان یک عالم شاخص در تقریب مذاهب نام می‌برند.»

حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی‌اکبری:

سرانجام جان بر سر این عهد و پیمان نهاد

حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، رئیس شورای سیاستگذاری ائمه‌جمعه در بخشی از پیام خود به‌مناسبت شهادت عبدالواحد ریگی، امام جمعه اهل سنت خاش نوشت: «خبر ترور ناجوانمردانه و زبونانه عالم روشن ضمیر و مجاهد، جناب مولوی عبدالواحد ریگی، امام جمعه محترم و محبوب اهل سنت خاش را با کمال تأسف و تأثر دریافت کردم. آن روحانی مردمی و خیرخواه، عمری را در راه خدمت به مردم عزیز منطقه خاش و اعتلای وحدت مردم آن سامان گذراند. ایشان همواره در پیشبرد آرمان‌های اسلام و انقلاب اسلامی در تلاش بود و با تمام توان ندای وحدت را صلا داد و در این راه، تهدیدها و رنج‌ها را به جان خرید و سرانجام جان بر سر این عهد و پیمان نهاد. خاطره خوش اینجانب در آن جلسه به‌یادماندنی که نماد بصیرت انقلابی و روشن‌بینی آن روحانی برجسته بود، اکنون به‌عنوان یک قاب ماندگار و تصویر درخشان از حقیقت خواسته‌ها و مطالبات بحق مردم غیور و نجیب خطه سیستان و بلوچستان در چشم و دل مردم ما، ماندگار شده است. بداندیشان و بدخواهان مردم ایران و خطه دلاورخیز سیستان و بلوچستان از این حرکت بزدلانه جز افزایش نفرت مردم ما از دشمنان وحدت ملی ایرانیان، نخواهند دید. ان‌شاءالله خون این عالم شهید و دیگر شهدای وحدت و امنیت، دامان پر ننگ دشمنان خارجی و عوامل مزدور داخلی را خواهد گرفت و آنان را در پیشگاه محکمه وجدان مردم، رسوا خواهد ساخت. ان‌شاءالله دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و مردمی با تمام توان و سرعت نسبت به شناسایی، محاکمه و برخورد قاطع با مسببان و مباشران این حادثه دردناک اقدام خواهند کرد.»

پیام رهبر انقلاب اسلامی

بسم‌الله الرحمن الرحیم
حادثه ناگوار ربایش جناب مولوی عبدالواحد ریگی رحمت‌الله علیه و به شهادت رساندن این عالم خیرخواه و شجاع موجب تأسف و تأثر اینجانب گردید. اشراری که این جنایت را مرتکب شدند، مزدورانی روسیاهند که در خدمت دشمنان سعادت هم‌میهنان بلوچ و اتحاد اقوام ایرانی قرار گرفته‌اند. وظیفه دستگاه‌های مسئول تعقیب و مجازات جنایتکاران است و باید با سرعت و جدیت انجام شود. اینجانب به خاندان محترم آن شهید و همه مردم بلوچستان به‌ویژه خاش و ایرانشهر تسلیت عرض می‌کنم و رحمت الهی را برای همگان مسألت می‌نمایم.
سیدعلی خامنه‌ای ۱۴۰۱/۹/۲۳

یاد

خاطره شهید ابراهیم همت به روایت ژیلا بدیهیان

آخرین دیدار

سردار محمد ابراهیم همت، فرمانده لشکر ۲۷محمد رسول‌الله(ص) ۱۷اسفند ۱۳۶۲ به شهادت رسید. همسرش ژیلا بدیهیان، در دومین کتاب از مجموعه «نیمه پنهان ماه» که توسط انتشارات روایت فتح چاپ شده، خاطره‌ای از آخرین حضور شهید همت در خانه و نزد خانواده روایت کرده‌است:

«به رختخواب‌ها تکیه داده بود. دستش را روی زانویش که توی سینه‌اش کشیده بود، دراز کرده بود و دانه‌های تسبیحش تند تند روی هم می‌افتاد. منتظر ماشین بود؛ دیر کرده بود. مهدی دور و برش می‌پلکید. همیشه با ابراهیم غریبی می‌کرد، ولی آن روز بازیش گرفته بود. ابراهیم هم اصلاً محل نمی‌گذاشت. همیشه وقتی می‌آمد مثل پروانه دور ما می‌چرخید ولی این‌بار انگار آمده بود که برود. خودش می‌گفت: «روزی که من مسئله محبت شما را با خودم حل کنم، آن روز، روز رفتن من است.»

عصبانی شدم و گفتم: «تو خیلی بی‌عاطفه‌ای. از دیشب تا حالا معلوم نیست چته.» صورتش را برگردانده بود و تکان نمی‌خورد. برگشتم توی صورتش نگاه کردم. از اشک خیس شده بود. بندهای پوتینش یک هوا گشادتر از پاش بود، با حوصله بست. مهدی را روی دستش نشاند و همینطور که از پله‌ها پایین می‌رفتیم گفت: «بابایی! تو روزبه‌روز داری تپل‌تر می‌شی. فکر نمی‌کنی مادرت چطور می‌خواد بزرگت کنه؟» و سفت بوسیدش. چند دقیقه‌ای می‌شد که رفته بود ولی هنوز ماشین راه نیفتاده بود. دویدم طرف در که صدای ماشین سر جا میخکوبم کرد. نمی‌خواستم باور کنم. بغضم را قورت دادم و توی دلم داد زدم: «اون‌قدر نماز می‌خونم و دعا می‌کنم که دوباره برگردی.» بعد از این آخرین دیدار حاج‌همت، یک‌بار طی تماس تلفنی به همسرش گفته بود که «بارها به تو گفتم من پیشمرگ شما می‌شوم. خدا داغ شما را به دل من نمی‌گذارد. این را من دیگر توی زندگی نمی‌بینم.»

خبر

موزه آثار سردار سلیمانی راه‌اندازی می‌شود

آثار به‌جا مانده از شهید سردار سلیمانی در قالب یک موزه برای دوستداران او به نمایش گذاشته می‌شود. نرجس سلیمانی، دختر سردار شهید قاسم سلیمانی با بیان این خبر افزود: «پدر برخی وسایل خود مانند مهر و سجاده، قرآن و... را بین خانواده تقسیم کرده‌است. از پدر وسایل زیادی نظیر دست‌نوشته‌ها، خاطرات مکتوب، کتاب‌ها و قلم وی به جا مانده که قابل نمایش در موزه است.» دختر سردار سلیمانی درباره زمان راه‌اندازی موزه گفت: «زمان راه‌اندازی موزه مشخص نیست ولی سعی می‌کنیم تا پایان سال کاری در این زمینه انجام دهیم.»

میزبانی از زائران ۸۰ کشور در گلزار شهدای کرمان

مراسم سالگرد سومین سال شهادت حاج‌قاسم سلیمانی امسال دی ماه در کرمان و دیگر استان‌ها برگزار می‌شود. سردار محمدعلی نظری، فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان با بیان این خبر افزود: «پیش‌بینی حاکی از آن است که امسال زائران این مراسم ده‌ها برابر رشد داشته باشند. مردم کرمان با نذر اسکان برای پذیرایی و اسکان زائران شهیدحاج قاسم سلیمانی در منازل‌شان اعلام آمادگی کرده‌اند.»

کتاب بشنویم

فال خون

سال‌ها از جنگ ۸ساله ایران و عراق می‌گذرد، اما هنرمندان بسیاری هنوز هم وقایع و ابعاد مختلف آن را دستمایه خلق آثار هنری خود قرار می‌دهند. تاکنون آثار بسیاری در زمینه‌های مختلف هنری از جمله ادبیات، سینما، تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی دراین‌باره پدید آورده شده است.

کتاب «فال خون» هم یکی از آنهاست اما چیزی که این اثر را با سایر آثار این حوزه متمایز می‌کند، دریچه‌ای است که نویسنده برای روایت داستان خود آن را انتخاب می‌کند. داوود غفارزادگان در کتاب «فال خون» داستان یک سرباز عراقی را روایت می‌کند که در تمام طول کتاب با ترس از مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند. به او دستور داده شده که به همراه مافوقش به بالای یک کوه برفی در منطقه هور بروند. سرباز در طول جنگ کشته‌شدن بسیاری از همرزمانش را به چشم دیده و حالا در مسیر رسیدن به قله کوه، تصاویر آن جان‌دادن‌ها مدام در مقابل چشمانش پدیدار می‌شوند. آنها در مقر دیدبانی بالای کوه مستقر می‌شوند و یک دسته ورق بازی در آنجا پیدا می‌کنند. سرباز و ستوان شروع به بازی‌کردن می‌کنند، غافل از اینکه همین بازی قرار است ورق داستان را به‌زودی برگرداند...

خوانش این کتاب توسط کورش سلیمانی انجام شده و محمدرضا قانون‌پرور، استاد دانشگاه تگزاس در سال ۲۰۰۸ این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده است. همچنین این کتاب در ترکیه چاپ و ترجمه شده است. فال خون از انتشارات سوره مهر است و اگر فرصت خواندن کتاب را ندارید، شنیدن این کتاب صوتی را به شما پیشنهاد می‌کنیم. از این اثر به‌عنوان کتاب برگزیده در جشنواره ربع قرن دفاع‌مقدس تقدیر به عمل آمد.